

فرهنگ و زیست فناوری معماری

نشریه علمی فرهنگ و زیست فناوری معماری

پاییز ۱۴۰۲، سال ۳، پیاپی ۱۰

رابطه معناداری بین مؤلفه‌های پیوند اجتماعی با تقویت و توسعه مجموعه‌های چندعملکردی طبیعت محور در بافت‌های فرسوده؛ مورد مطالعه محله تلخداش شیراز

زمان دریافت: ۱۴۰۲/۳/۲۱، زمان پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۲۱، زمان انتشار: ۱۴۰۲/۵/۲۲

محمد نیک‌کار^۱ - استادیار بخش معماری دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

اسدالله بزرگوار - دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

چکیده

از هم‌گسیختگی شکلی، عدم استفاده مطلوب از زمین و کاهش کیفیت فضاهای شهری، بخش مهمی از مشکلات شهرها در سال‌های اخیر است. از مهم‌ترین پیامدهای این معضلات، تضعیف پیوندهای اجتماعی است. محله تلخداش یکی از محلات قدیمی شیراز است که از این معضلات و پیامدهای آن در امان نبوده است. تلاش برای بهره‌گیری از پتانسیل‌های طبیعی و سرمایه‌های بومی، جهت برون‌رفت از این مشکل ضروری به نظر می‌رسد. هدف این پژوهش، تعیین مؤلفه‌های مؤثر بر پیوند اجتماعی و تعیین معناداری رابطه بین این مؤلفه‌ها با توسعه و تقویت مجموعه‌های چندعملکردی طبیعت محور در محله تلخداش شهر شیراز است. تعیین شاخص‌ها و ریزشاخص‌های مربوط به هر یک از مؤلفه‌ها و نیز تعیین میزان اهمیت هر یک از این شاخص‌ها از نظر پاسخگویان از اهداف دیگر مقاله حاضر است. این پژوهش از نظر ماهیت توصیفی-پیمایشی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه است. بر اساس فرمول کوکران، حجم نمونه ۳۶۲ نفر از ساکنین محله تلخداش شیراز به دست آمد. با مرور مبانی نظری، مؤلفه‌های مؤثر بر پیوند اجتماعی شامل دلبستگی به مکان، تعهد، مشارکت و باور و سپس شاخص‌ها و ریزشاخص‌های مرتبط با هر یک از مؤلفه‌ها تعیین شد. این مؤلفه‌ها به عنوان متغیر ملاک و تقویت و توسعه مجموعه چندعملکردی طبیعت محور به عنوان متغیر پیش‌بین در نظر گرفته شد. معناداری رابطه متغیرهای ملاک و پیش‌بین مورد بررسی قرار گرفت. همچنین میزان اهمیت شاخص‌های مربوط به هر یک از مؤلفه‌ها سنجیده شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام گرفت. برای تعیین معناداری ارتباط بین متغیرهای ملاک و پیش‌بین از ضریب همبستگی پیرسون و برای تعیین میزان اهمیت شاخص‌های مربوط به هر یک از مؤلفه‌ها از آمار توصیفی استفاده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین مؤلفه‌های ملاک و پیش‌بین با ضریب همبستگی بالا رابطه معناداری وجود دارد. همچنین میزان اهمیت شاخص‌های مربوط به هر یک از مؤلفه‌ها، متوسط و زیاد است. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که توسعه و تقویت مجموعه چندعملکردی طبیعت محور علاوه بر احیاء و بهبود پیوند اجتماعی در محله تلخداش شیراز، باعث رشد و ارتقاء کیفیت این بافت می‌شود. شاید بتوان از نتایج و راهبردهای این پژوهش در احیاء و تقویت پیوند اجتماعی در سایر بافت‌های فرسوده نیز بهره جست.

واژگان کلیدی: پیوند اجتماعی، مؤلفه‌های پیوند اجتماعی، گسستگی اجتماعی، مجموعه چند-

عملکردی طبیعت محور، محله تلخداش شیراز.

^۱ نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۷۱۱۲۰۲۷، رایانامه: nikkar.mohammad@yahoo.com

۱. مقدمه و بیان مساله

از هم‌گسیختگی شکلی، عدم استفاده مطلوب از زمین و کاهش کیفیت فضاهای شهری، بخش قابل تأملی از مشکلات شهرها در چند سال اخیر به شمار می‌آیند. علاوه بر این، افزایش جمعیت و نیاز به مسکن، افزایش بیش از حد شهرک‌ها و عدم توجه به عناصر طبیعی و از بین رفتن بسیاری از باغات و مزارع سبز درون بافت شهری، باعث به وجود آمدن گسستگی و به دنبال آن مرزکشی‌های اجتماعی شده و کیفیت محیطی در محلات را در معرض خطر قرار داده است. به نظر می‌رسد عدم خط‌مشی‌گذاری مناسب، نبود دانش کافی نسبت به ویژگی‌های محیطی و اجتماعی و تقلید بی‌رویه از الگوهای نوین کشورهای مدرن از عوامل اصلی بروز این مشکلات هستند. از مهم‌ترین پیامدهای این معضلات می‌توان به تضعیف پیوندهای اجتماعی و تهدید هویت شهری اشاره کرد. کلانشهر شیراز نیز از این معضلات و پیامدهای آن در امان نبوده است. محله تلخداش یکی از محلات قدیمی شیراز است که هسته روستایی آن به‌راحتی در عناصر محلی این بافت قابل مشاهده است. محدوده مورد مطالعه در شمال غربی شیراز واقع شده که از دو لبه توسط باغات تلخداش و از دو لبه دیگر توسط آپارتمان‌های مرتفع منطقه مطهری احاطه شده و باعث ایجاد موقعیت ممتازی برای این محله چه از لحاظ ارتباط مناسب با طبیعت و فرصت‌های گسترده شغلی و چه از لحاظ نزدیکی به محدوده‌های فرهنگی تفریحی شده است. مهم‌ترین دلایل اهمیت این محله را می‌توان این گونه بیان کرد: ۱. آمد و شد آسان و نزدیکی به بخش مرکزی شهر، ۲. قرارگیری در منطقه خوش آب و هوا در مجاورت باغ‌های تاریخی شهر، ۳. قرارگیری در راستای یکی از جهات اصلی توسعه شهر، ۴. نزدیکی به عناصر تاریخی مهم شهر مانند باغ عفیف‌آباد، ۵. قرار گرفتن در منطقه‌های با وجود فرصت‌های اشتغال زیاد و غیره. از طرفی در این محله شاهد گسستگی پیوند اجتماعی و برخورداری از توسعه و خدمات شهری کمتر نسبت به بافت‌های اطراف هستیم. بر این مبنای تلاش برای بهره‌گیری از پتانسیل‌های طبیعی و سرمایه‌های بومی در این محله، جهت برون‌رفت از این مشکل ضروری به نظر می‌رسد. در واقع بایستی به دنبال یافتن راهی برای از بین بردن این نوع گسستگی اجتماعی و ارائه راهکارهایی مناسب جهت بهبود شرایط بود. در این راستا، پژوهش حاضر در پی آن است که ضمن تعیین مؤلفه‌های مؤثر بر پیوند اجتماعی، معناداری رابطه بین این مؤلفه‌ها با توسعه و تقویت مجموعه‌های چندعملکردی طبیعت‌محور در بافت فرسوده محله تلخداش شهر شیراز را مورد بررسی قرار دهد. تعیین شاخص‌ها و ریزشاخص‌های مربوط به هر یک از مؤلفه‌ها و نیز تعیین میزان اهمیت هر یک از این شاخص‌ها از نظر پاسخگویان از اهداف دیگر این پژوهش است.

۲. روش‌شناسی و پیشینه تحقیق

به‌منظور شناخت زمینه‌های اصلی، تحلیل ارتباط میان متغیرها، شناخت عوامل تأثیرگذار و آشنایی با مرزهای دانش در مفاهیم مورد بحث این تحقیق، پیشینه تحقیقات بررسی شده‌اند: جوان‌فروزنده

(۱۳۹۰) در تحقیق خود تحت عنوان «مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن» به معرفی ابعاد مختلف حس تعلق و عوامل تشکیل دهنده آن پرداخته است. او بر اساس روش پژوهش شناختی و با رویکردهای هستی شناسانه به بررسی ادبیات موضوع پرداخته می شود. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد حس تعلق به مکان واجد د بعد کالبدی اجتماعی است که نتایج نشان‌دهنده برتری تعلق اجتماعی بر تعلق کالبدی در محیط است. همچنین مشخص شد که اساساً انسان به دنبال یافتن پاسخ برای نیازهای خود در محیط است و در صورت عدم تأمین این نیازها از مکان، احساس عاطفی مثبتی بین فرد مکان به وجود نخواهد آمد. تحقیقی با عنوان «ارائه مدل ارزیابی حس مکان براساس مؤلفه‌های کالبدی، ادراکی، عملکردی و اجتماعی، نمونه موردی: خیابان امام ارومیه» و با روش پژوهش توصیفی - تحلیلی به ارائه مدلی برای بررسی فضاهای شهری از بعد حس مکان پرداخته است. براساس یافته‌های تحقیق سکانس‌های محور امام خمینی در آفرینش مفهوم مکان برای مردم یکسان عمل نکرده و کاربران نسبت به بخش‌های مختلف این خیابان حس‌های مختلفی را ابراز نموده‌اند (میرغلامی و آیشم، ۱۳۹۵). در پژوهش دانش‌پایه و حبیب (۱۳۹۶) با مطالعه حس مکان و مفاهیم مرتبط با آن، به تبیین معیارهای اصلی در ارتقای حس مکان در توسعه جدید شهرها پرداخته شده است. آن‌ها براساس مبانی نظری، ۱۰ معیار اصلی و ۴۲ زیرمعیار در زمینه شکل‌گیری و تشخیص حس مکان از نظر ساکنان شهرک‌های منطقه ۲۲ و منطقه ۴ شهرداری تهران تعیین کردند. کفایت برازندگی این مدل به واسطه شاخص‌های مختلف نشان می‌دهد، الگوی مورد نظر از نظر هماهنگی داده‌ها با ساختار عاملی آن، از برازندگی قابل قبولی برخوردار است. یافته‌های پژوهشی دیگر با عنوان «تبیین مؤلفه‌های کالبدی تأثیرگذار بر تکوین و تداوم اجتماعی در فضاهای شهری: نمونه موردی فضاهای فرهنگی و هنری شهر رشت» نشان می‌دهد عواملی مانند دل‌بستگی، تعهد و باور باعث ارتقای هویت افراد و تحقق پایداری اجتماعی می‌شود (حسینی و مهرگانی، ۱۳۹۷). نتایج پژوهشی با عنوان «تبیین مؤلفه‌های دل‌بستگی مکان در مقیاس محله و شهر و تحلیل تعمیم‌پذیری آن: نمونه موردی محله تاریخی سرخاب تبریز» نشان می‌دهد که میزان شناخت، عاطفه و در کل دل‌بستگی در مقیاس شهر بیشتر از محله است. همچنین بررسی‌ها در میان ابعاد مدل دل‌بستگی به مکان آشکار کرد که برای هر دو مقیاس محله و شهر، میزان بعد شناختی بیش از میزان بعد عاطفی می‌باشد. برای ارتقاء دل‌بستگی به محله، شناخت محله بیشتر تأثیرگذار است. در این میان عوامل فردی نیز همچون گروه‌های سنی، جنسیت، وضعیت تاهل و میزان تحصیلات ارتباط سازگاری را با میزان دل‌بستگی به محله و شهر ارائه می‌دهند (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۵). سیفی در پژوهشی (۱۳۹۵)، اجتماع‌پذیری فضای معماری برای جوانان را بررسی کرده است. او پس از به دست آوردن شاخص‌های تأثیرگذار بر اجتماع‌پذیری فضا برای جوانان به این نتیجه رسید که برخی مشخصه‌های کالبدی فضا از جمله امنیت و آسایش، تنوع فعالیت‌ها و ... تأثیر بیشتری بر اجتماع‌پذیری فضا برای

رابطه معناداری بین مؤلفه‌های پیوند اجتماعی با تقویت و توسعه مجموعه‌های چندعملکردی طبیعت محور در بافت‌های فرسوده؛
مورد مطالعه محله تلخداش شیراز

جووانان دارند. در پژوهشی با عنوان «ارزیابی مؤلفه‌های مؤثر بر پیوندهای اجتماعی در مرکز محله‌های شهر اردبیل» مؤلفه‌هایی از جمله دلبستگی به محله، تعهد به محله، مشارکت اجتماعی در محله و باور به ارزش‌های محله از نظر ساکنین محله‌ها مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج نشان داد که میزان پیوندهای اجتماعی در محلات با این مؤلفه‌ها رابطه معناداری وجود دارد. در این بین، حس دلبستگی به محله نسبت به سایر مؤلفه‌ها رابطه پررنگ‌تری دارد (عالم و همکاران، ۱۳۹۸). با توجه به آنچه بیان شد می‌توان به نقش الگوها، معیارها و شاخص‌های مختلف در تأثیرگذاری و افزایش پیوند اجتماعی اشاره کرد. با این حال علی‌رغم وجود پژوهش‌های متعدد در حوزه شناسایی شاخص‌های مؤثر در پیوند اجتماعی، کمتر پژوهشی به معناداری مؤلفه‌های اثرگذار در قالب یک مجموعه چند-عملکردی اثرگذار در یک محله پرداخته است، امری که بر جنبه جدید بودن و نوآوری این پژوهش تأکید می‌کند؛ چراکه بیشتر تحقیقات در این حوزه به دانش نظری و جنبه‌های تئوریک پیوند اجتماعی تأکید داشته‌اند.

این پژوهش، از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی-پیمایشی است. روش جمع‌آوری اطلاعات بر اساس پیمایش کتابخانه‌ای و میدانی است. با مرور پیشینه‌های پژوهش، مؤلفه‌های مؤثر بر پیوند اجتماعی، تعیین گردید. این مؤلفه‌ها شامل «دلبستگی به مکان، تعهد به مکان، مشارکت و باور» است که به عنوان متغیر ملاک و مجموعه چندعملکردی طبیعت محور به عنوان متغیر پیش‌بین در نظر گرفته شده است. در ادامه معناداری رابطه بین مؤلفه‌های پیوند اجتماعی و تقویت و توسعه مجموعه‌های چندعملکردی طبیعت محور مورد بررسی قرار گرفت. همچنین جهت تعیین میزان اهمیت شاخص‌های مربوط به هر یک از مؤلفه‌ها، پرسش‌هایی در قالب مقیاس لیکرت در پرسشنامه تعبیه شد و در اختیار پاسخگویان قرار گرفت. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته است. برای تعیین روایی پرسشنامه، از روش روایی صوری و برای پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. میزان بالای ضریب آلفای کرونباخ نشان‌دهنده پایایی پرسشنامه است.

جدول ۱. اعتبارسنجی سوالات؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

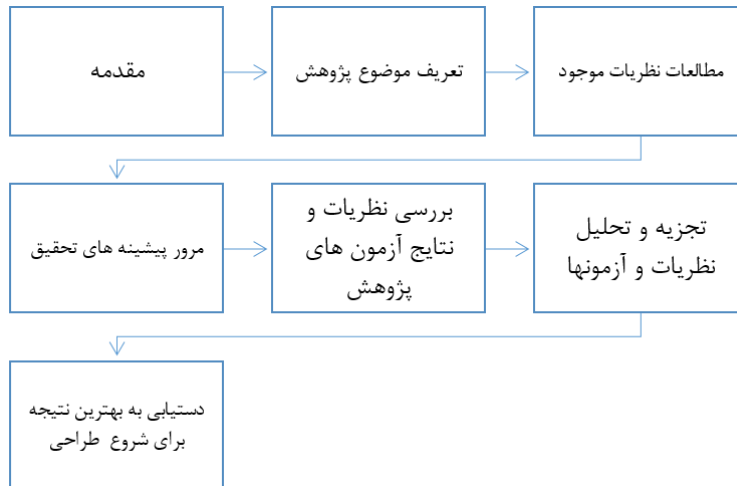
متغیرهای پژوهش	آلفای کرونباخ
دلبستگی به مکان	۰/۹۴۵
تعهد به مکان	۰/۹۵۹
مشارکت	۰/۹۶۹
باور	۰/۹۵۸
پیوند اجتماعی	۰/۹۸۸

برای تعیین نمونه، از روش نمونه‌گیری تصادفی و برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است. جامعه آماری شامل تمامی ساکنین بالای ۱۸ سال محله تلخداش که می‌توانند از مجموعه چندعملکردی استفاده کنند. به دلیل در دسترس نبودن آمار این افراد، کل جمعیت محله تلخداش

(۶۲۳۷) برای محاسبه حجم نمونه مورد استفاده قرار گرفت. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برابر با ۳۶۲ نفر به دست آمد.

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)} = \frac{\frac{(1.96)^2 \times (0.5) \times (0.5)}{(0.05)^2}}{1 + \frac{1}{6237} \left(\frac{(1.96)^2 \times (0.5) \times (0.5)}{(0.05)^2} - 1 \right)} \cong 362$$

فرآیند اجرای پژوهش نیز به شرح زیر است.



نمودار ۱. فرآیند اجرای پژوهش؛ ماخذ: ترسیم نگارندگان.

۳- ادبیات تحقیق

۳-۱ حلقه های پیوند اجتماعی

حلقه پیوند اجتماعی- فضایی، متشکل از ویژگی های روان شناختی و کالبدی است که علاوه بر تأثیرگذاری بر یکدیگر، نقش مکملی داشته و بدون وجود یک شاخص، تمام حلقه کارایی خود را از دست می دهد. ویژگی های کالبدی عبارتند از قلمرو مکانی، لزوم اجتماع پذیر بودن فضا و طراحی مجموعه چند عملکردی. این ویژگی ها به همراه شاخص های روان شناختی منجر به تعیین حریمی مشخص و القای حس ورود، ایجاد محصوریت و تمرکز، دعوت کنندگی، ادامه حضور در فضا، کارآمدی برای اقشار مختلف جامعه، افزایش ارتباطات و تعاملات اجتماعی و در نتیجه ایجاد فضایی جهت تقویت پیوند اجتماعی می شوند. روان شناسان، انگیزش، امنیت و هویت را نیز سه نیاز اصلی روان شناختی می دانند که تعادل در آنها به سلامت فرد و جامعه منجر می شود (حامد و جلالی راد، ۱۳۹۸)

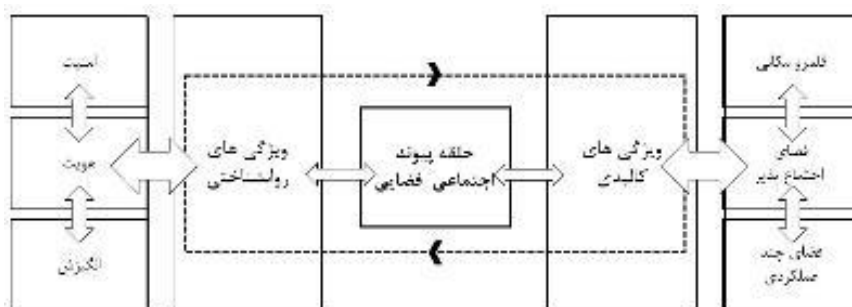
۳-۲ نظریه پیوند اجتماعی

نظریه پیوند اجتماعی جزئی از زیرگروه های فرضیه نظارت است. فرضیه نظارت یا پیوند اجتماعی، نخست توسط هیرشی (۱۹۶۹)^۱ برای تشریح انگیزه جرم مورد بحث قرار گرفت. او شاخص های

^۱Hirschi, Travis

رابطه معناداری بین مؤلفه‌های پیوند اجتماعی با تقویت و توسعه مجموعه‌های چندعملکردی طبیعت محور در بافت‌های فرسوده؛ مورد مطالعه محله تلخداش شیراز

پیوند اجتماعی را دلبستگی به مکان، تعهد به مکان، مشارکت و باور، شناسایی کرده است (مدنی پور، ۱۳۸۹). تقویت پیوندهای اجتماعی باعث می‌شود که افراد جامعه احساس امنیت و آرامش بیشتری داشته و در نتیجه میزان خشونت، جرم و جنایت کاهش یابد (عالم و همکاران، ۱۳۹۸).



نمودار ۲. الگوی شکل‌گیری حلقه پیوند اجتماعی؛ ماخذ: حامد و جلالی‌راد، ۱۳۹۸، ص ۱۴

۳-۳ دلبستگی به مکان

در نظریه پیوند اجتماعی، دلبستگی در معنای عام یعنی داشتن تعلق خاطر به افراد و نهادها در جامعه و یکی از شیوه‌هایی است که فرد خود را از طریق آن به جامعه پیوند می‌زند (صدیق سروسستانی، ۱۳۸۶). دلبستگی به مکان متشکل از چارچوب سازمان‌یافته سه‌بعدی (شخص - فرایند - مکان) است. بعد فردی به مفاهیم تعیین‌شده فردی یا جمعی اشاره دارد. بعد روانشناسی، عناصر عاطفی (حسی)، شناختی و رفتاری دلبستگی را شامل می‌شود. بعد مکان، بر ویژگی‌هایی چون سطح فضایی، خصوصیات ویژه و برجستگی عناصر فیزیکی یا اجتماعی تأکید دارد (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۲۲۸). از نگاه رویکرد اجتماعی، حس تعلق به مکان برآیند عواملی از تعاملات اجتماعی است که در محیط صورت می‌پذیرد. بر اساس این رویکرد محیط حاوی اطلاعات و نشانه‌های مشترک اجتماعی است که انسان‌ها با درک و رمزگشایی آن‌ها با محیط خود به تعامل می‌رسند. به عبارتی مکان یک نقش اجتماعی دارد و تعلق به اجتماع را به دنبال می‌آورد، یعنی گونه‌ای تعلق به خاطر رمزگشایی مشترک از مکان (جوان‌فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰، ص ۳۰).

۴-۳ تعهد به مکان

تعهد مقوله‌ای است با ایجاد وابستگی ذهنی عاطفی باعث پیوند میان شخص جامعه می‌شود. از وقتی پا به عرصه اجتماع می‌گذاریم، مدام لزوم وجود و پابندی به تعهد را شنیده‌ایم. همیشه همه افراد دیگران را ترغیب می‌کنند که تعهداتی برای خودشان داشته باشند و به تعهدات فردی و اجتماعی با پابندی خود، احترام بگذارند (نصراصفهانی و جهانگیرمقدم، ۱۳۹۷). برای آماده کردن بستر کشش اشخاص به محیط بایستی از کارهای مجذوب‌کننده مثل برپایی انواع کنش و کارهای اصلی و فرعی، بهره گرفت. از سوی دیگر برای آن که اشخاص در حالت خشنودی در محیط ماندگار شوند، از راهکارهایی مانند افزایش کیفیت زیبایی‌شناسانه محیط، مانند حجم و فرم مناسب، طراحی آبنما،

سبزی‌نگی به جهت دلپذیر کردن هوا، مکان تعامل و گفت‌وگو، پرداخت نور در شب و سایر عوامل زیبایی‌شناسانه معماری می‌توان استفاده کرد (خستو و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۹).

۳-۵ مشارکت

طبق نظر «هیرشی» (۱۹۶۹) مشارکت، درگیر شدن به معنای گذراندن مثبت زمان در فعالیت‌های مرسوم و مقبول جامعه است (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۶). مشارکت در فعالیت‌های معنوی و فرهنگی، پیوستگی فرد را با باورها و قوانین جامعه فزونی می‌دهد؛ حاصل این مشارکت‌ها، آن است که ارزش‌های معنوی در فرد باطنی شده و در نهایت به اجتماع‌پذیری او کمک می‌کند. مشارکت در فضاهای عمومی امری معطوف به مکان است و اغلب زمانی در اجتماعات رخ می‌هد که شهروندان به طور داوطلبانه به ایفای نقش و پذیرفتن مسئولیت در جهت ارتقاء کیفیت مکان بپردازند. در واقع مشارکت از الزامات زندگی شهری است و زمانی تحقق می‌یابد که شهرنشینان از حالت فردی که صرفاً در مکانی به نام شهر زندگی می‌کنند درآمده و به شهروند بدل شوند (صادقی و همکاران، ۱۳۹۷).

۳-۶ باور

باور به معنای پذیرش ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است. مؤلفه باور، بیانگر پذیرش و اعتقاد فرد به اعتبار قواعد اخلاقی جامعه و وفاداری‌اش به آن‌هاست. فرهنگ و باورهای هر قوم در کالبد معماری و ساختار شهری نمود می‌کند. فعالیت‌ها و باورهای سنتی و آیینی سبب استمرار زندگی محیط‌های اجتماعی می‌شوند (میرشکرایبی، ۱۳۸۱).

۳-۷ فضاهای عمومی برای پیوند اجتماعی

فضاهای عمومی به عنوان بستری برای زندگی عمومی مردم (در مقابل زندگی خصوصی) تعریف می‌شوند. این فضاها به شکل ایده‌آل خود، مکانی برای گردهمایی‌ها و تعاملات اجتماعی، در آمیختن با گروه و برقراری ارتباط با دیگران هستند. در این قلمرو یادگیری امور اجتماعی، رشد فردی و تبادل اطلاعات صورت می‌گیرد. این فضاها بایستی توسط مردم قابل دسترس و استفاده باشند (کارمونا، ۱۳۹۱، ص ۲۲۳). در چنین مکانی افراد می‌توانند ارتباطشان را سامان بخشیده و تفاوت‌ها و ماهیت‌های خود را نمایان سازند (مدنی‌پور، ۱۳۸۹). حیات جمعی در فضاهای عمومی در گرو ترویج تعاملات اجتماعی، جذب افراد و گروه‌های اجتماعی مختلف، امنیت اجتماعی و در نتیجه ترغیب به افزایش تحمل گروه‌های مختلف در فضا، جامعه‌پذیری و ایجاد فضایی فعال و سرزنده است (دانشپور و چرخ‌چیان، ۱۳۸۶). البته این نکته حائز اهمیت است که طراحی می‌تواند در رفتار انسان تاثیرگذار باشد؛ طراحی به‌جای تعیین رفتار و اعمال افراد، وسیله‌ای است که احتمال بروز رفتارها و عملکردهای خاصی را فراهم می‌آورد. در واقع افراد از میان پتانسیل‌های موجود در محیط

رابطه معناداری بین مؤلفه‌های پیوند اجتماعی با تقویت و توسعه مجموعه‌های چندعملکردی طبیعت محور در بافت‌های فرسوده؛ مورد مطالعه محله تلخداش شیراز

دست به انتخاب می‌زنند؛ انتخابی که متأثر از جامعه و فرهنگ آن محیط است و به ویژگی‌هایی که فرد در طول زندگی آموخته است، باز می‌گردد (کارمونا، ۱۳۹۱، ص ۲۱۴).

۳-۸ مجموعه چندعملکردی

در نظریه انستیتوی کانادایی «فضای زمین شهری» مجموعه چندعملکردی مجموعه‌ای است که شامل دو یا چند کارکرد متفاوت است. در اروپا و آمریکای معاصر، مجموعه‌های تک‌عملکردی رو به زوال هستند؛ در مقابل شاهد رشد و فراگیری مجموعه‌های چندعملکردی هستیم. اما نکته‌ای که در این مجموعه‌ها بسیار مهم است این است که فعالیت‌های گوناگونی که همزمان در یک محیط معماری انجام می‌گیرد، باید باعث پیوستگی عملی و فرمی محیط شوند و انگیزه‌ای برای ایجاد و تقویت سایر عملکردها در آن محیط به وجود آورند (ترکمان و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۲). مجموعه‌های چند-عملکردی فعالیت‌های زیادی را در یک چارچوب فیزیکی ترکیب می‌کنند بنابراین تنوع و سرزندگی متناسب با زندگی شهری را ایجاد می‌کنند. این مراکز از طریق هم‌افزایی خود، یک ساختار افزایشی را برای شهرهای معاصر ارائه می‌دهند و این امکان را برای طراحان فراهم می‌کنند که ایده‌های سنتی محیط شهری را که در آن همه گروه‌ها صرف نظر از قومیت، اقتصاد و نژاد با یکدیگر تعامل دارند، احیا شوند و از این طریق تعاملات و پیوند اجتماعی ایجاد گردند (Jencks, 1980). در ایران قدیم، تجربه‌های ارزشمندی درباره مجموعه‌های چندعملکردی وجود داشته است. اما در روند مدرنیته، و با تقلید از تجربه‌های غرب این آموخته‌های پرمایه به دست فراموشی سپرده شده‌اند. با احیای دوباره ارزش‌ها، آداب، رسوم، باورهای پایدار اجتماعی ایرانی، می‌توان مجموعه‌های چندعملکردی را بنا کرد که از یک سو ویژگی‌ها و نشانه‌های ایرانی بودن در آن ریشه دوانده و از دیگر سو به شرایط زیستی روز نیز نگاه دارد.

از نظر فرم در معماری، مجموعه‌های چندعملکردی را می‌توان به چهار دسته تقسیم‌بندی کرد: نقطه-ای، گروهی، خطی و بافتی (یا محله‌ای). انتخاب گونه مناسب برای طراحی مجموعه چندعملکردی، بر اساس نیازهای امروزی و تلفیق آن‌ها با سنت‌ها، ارزش‌ها و فرهنگ ایرانی است. در مجموعه‌های چندعملکردی نقطه‌ای، عملکردهای مختلف به صورت لایه‌های عمودی در مجموعه قرار می‌گیرند مانند برج میلاد. این گروه را می‌توان به زیر مجموعه‌هایی با ارتفاع کم، متوسط و بلندمرتبه طبقه‌بندی کرد. در مجموعه‌های چندعملکردی گروهی، عملکردهای مختلف به صورت ترکیبی از چیدمان افقی و عمودی قرار گرفته‌اند و از نظر حجمی به دو قسمت تقسیم می‌شوند: چند حجم مستقل از هم در یک مجموعه (مانند ساختمان دانشگاه هنر تهران)، چند حجم مرتبط و پیوسته در یک مجموعه (مانند مجتمع چندعملکردی خلیج فارس شیراز) (ترکمان و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۵). مجموعه‌های خطی، مجموعه‌هایی هستند که دانه‌های آن در امتداد یک محور قرار گرفته‌اند (مانند بازارهای قدیم ایرانی). مجموعه‌های گروهی، به مجموعه‌هایی اطلاق می‌شود که در آن احجام بنا به یک ارتباط

حجمی و یا عملکردی در کنار هم قرار دارند. مجموعه‌های چندعملکردی بافتی یا محله‌ای می‌تواند ترکیبی از حالات فوق، به‌ویژه خطی و یا گروهی باشد. به‌طورکلی محیط‌های شهری بستری برای نمایان شدن کنش‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و دینی است. سازماندهی و آبادانی چنین محیط‌های شهری نمایانگر مقدار ترقی فرهنگ و منزلت اجتماعی و اقتصادی جوامع است (پاکزاد، ۱۳۸۶).

۳-۹ پیوند اجتماعی در بافت‌های فرسوده: مؤلفه‌ها و شاخص‌ها

براساس پژوهش‌های انجام شده، پیوند اجتماعی را می‌توان در ابعاد مختلفی مورد بررسی قرار داد. تعیین شاخص‌ها برای اندازه‌گیری پیوند اجتماعی دشوار است چراکه تاکنون تعریف دقیق و جامعی از این مفهوم ارائه نشده است. در عین حال در این پژوهش، بر اساس منابع معتبر موجود و تحقیقاتی که در زمینه پیوند اجتماعی انجام گرفته است، مجموعه‌ای از مهم‌ترین مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و ریز-شاخص‌های این حوز، استخراج و طبق جدول زیر تنظیم گردید.

جدول ۲. مؤلفه‌ها، شاخص و ریزشاخص‌های پیوند اجتماعی؛ مأخذ: نگارندگان براساس یافته‌های تحقیق.

مؤلفه	شاخص	ریزشاخص	مأخذ
دل‌بستگی به مکان	احساسی	حس مثبت، توجه عاطفی، وفاداری، افتخار، علاقه	(سجادزاده، ۱۳۹۲) - (Low & Altman, 1992) - (Maddox & Prinz, 2003)
	عملکردی	وابستگی، رضایت‌مندی و راحتی	
	معنایی	فرهنگ، اعتقاد، سنت، تعامل	
تعهد به مکان	کالبدی	غنای بصری، کیفیت کالبدی، تناسب بصری	دانش‌پایه و حبیب ۱۳۹۶.
	فعالیتی	قابلیت دسترسی، آسایش، دعوت‌کنندگی، انعطاف-پذیری	(Hummon, 1992) -
	معنایی	خوانایی، ادراک مکان، هویت	
مشارکت	همه-شمولی	دسترسی به عرصه‌ها، حضور زن و مرد	(صادقی و همکاران، ۱۳۹۷)
	سرزندگی	رویدادهای اجتماعی، کاربری متنوع، ترکیب رنگ	(Toosi, 1991) - (Morrison & Xian, 2016)

رابطه معناداری بین مؤلفه‌های پیوند اجتماعی با تقویت و توسعه مجموعه‌های چندعملکردی طبیعت محور در بافت‌های فرسوده؛
مورد مطالعه محله تلخداش شیراز

قابلیت	انطباق فرهنگ و رسوم،
شناخت و	شفافیت، هماهنگی
تجربه	
باور	هنجارهای اخلاقی، (میرشکرایی، ۱۳۸۱)
اجتماعی	فرهنگی، اعتقادی
وفاداری	رشد، ارتقاء، گذراندن
	زمان، پذیرش
ارزش‌ها	ارزش‌های جمعی،
	پذیرش، قواعد اخلاقی،
	احترام به قوانین

۴. بیان یافته‌های تحقیق

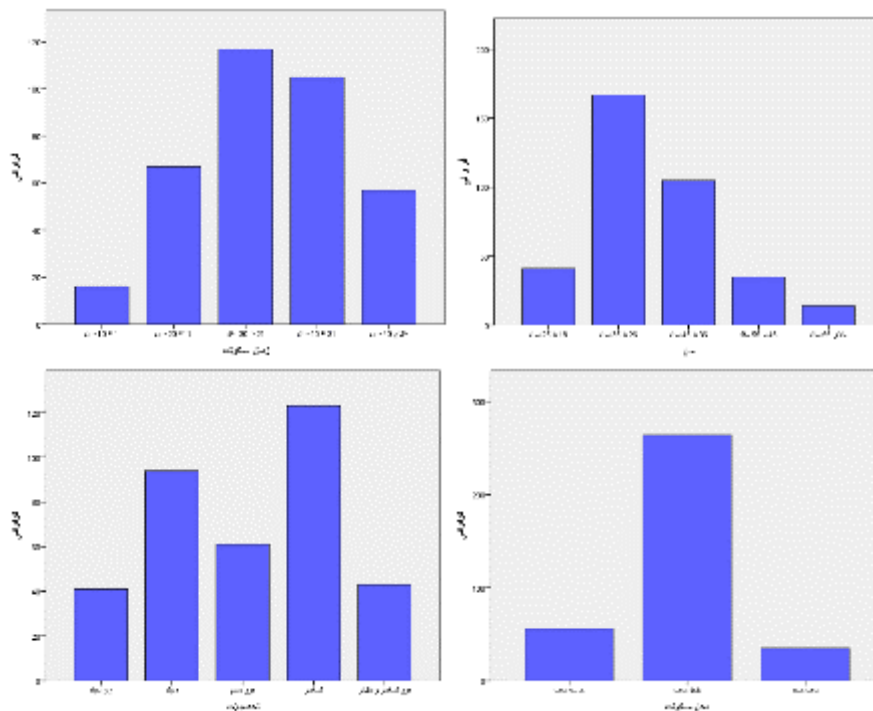
جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار آماری SPSS و برای تعیین ارتباط بین مؤلفه‌های پیوند اجتماعی و تقویت و توسعه مجموعه‌های چندعملکردی طبیعت محور از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. همچنین برای تعیین میزان اهمیت شاخص‌های مربوط به هر یک از مؤلفه‌ها، آمار توصیفی به صورت نمودارهای فراوانی و درصد فراوانی مورد استفاده قرار گرفت.

۴-۱ نتایج توصیفی داده‌های جمعیت شناختی

نتایج نشان می‌دهد، اکثریت پاسخ‌دهندگان در رده سنی ۲۱ تا ۳۰ قرار دارند. همچنین از نظر میزان تحصیلات، اغلب افراد دارای مدرک تحصیلی کارشناسی هستند که نشان می‌دهد افراد این محله از سطح سواد بالایی برخوردار هستند. بیشتر پاسخ‌دهندگان بین ۱۱ تا ۲۰ سال است که در محله تلخداش شیراز زندگی می‌کنند. بیشترین تعداد پاسخ‌دهندگان در داخل بافت سکونت دارند.

۴-۲ نتایج آزمون مؤلفه‌های پیوند اجتماعی

برای تعیین رابطه معناداری بین تقویت و توسعه مجموعه‌های چندعملکردی با هر یک از مؤلفه‌های پیوند اجتماعی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. همچنین جهت تعیین میزان اهمیت شاخص‌های مربوط به هر یک از مؤلفه‌ها پرسش‌هایی در قالب مقیاس لیکرت در پرسشنامه تعبیه شد و در اختیار پاسخگویان قرار گرفت. یافته‌های این بخش به صورت جداول فراوانی و درصد فراوانی ارائه شده است.



نمودار ۳. اطلاعات جمعیت‌شناختی؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

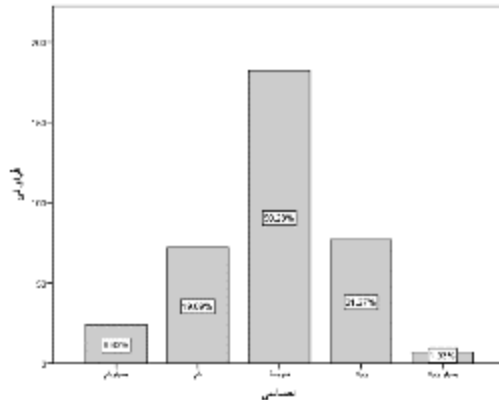
۱-۲-۴ رابطه تقویت و توسعه مجموعه‌های چندعملکردی با مؤلفه دلبستگی به مکان

یافته‌ها حاکی از آن است که ضریب همبستگی با سطح معناداری ۰/۰۱ برابر با ۰/۸۴۲ محاسبه شده است که نشان از رابطه معناداری بین تقویت و توسعه مجموعه چندعملکردی با مؤلفه دلبستگی به مکان دارد؛ در نتیجه با تقویت و توسعه مجموعه‌های چندعملکردی طبیعت محور، دلبستگی به مکان افزایش می‌یابد. همچنین میزان اهمیت شاخص‌های مربوط به مؤلفه دلبستگی به مکان (احساسی، عملکردی و معنایی) بررسی شد. به طوری که در نمودار زیر نمایان است بیشترین درصد پاسخ‌دهندگان، گزینه‌های متوسط، زیاد و خیلی زیاد را انتخاب کرده‌اند. می‌توان نتیجه گرفت که تقویت و توسعه مجموعه چندعملکردی سبب رشد و ارتقای شاخص‌های احساسی، عملکردی و معنایی مربوط به مؤلفه دلبستگی به مکان در محله تلخداش شیراز می‌شود.

جدول ۳. ارتباط تقویت و توسعه مجموعه چندعملکردی و مؤلفه دلبستگی به مکان؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

ارتباط میان متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معناداری
ارتباط میان تقویت و توسعه مجموعه چندعملکردی با مؤلفه دلبستگی	۰/۸۴۲	۰/۰۱

رابطه معناداری بین مؤلفه‌های پیوند اجتماعی با تقویت و توسعه مجموعه‌های چندعملکردی طبیعت محور در بافت‌های فرسوده؛
مورد مطالعه محله تلخداش شیراز



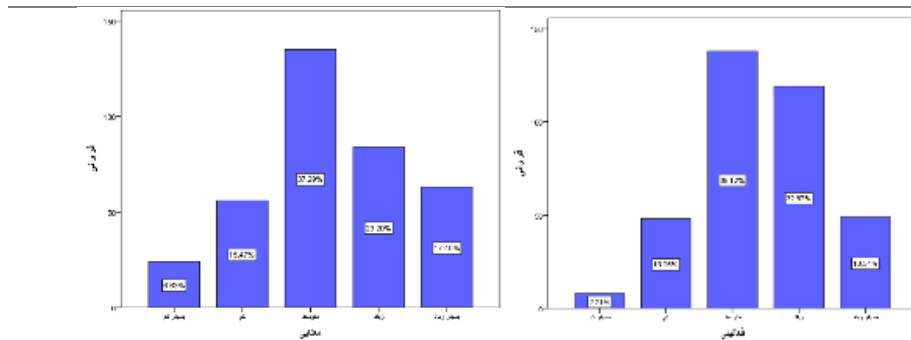
نمودار ۴. نتایج شاخص‌های مؤلفه‌ی دلبستگی به مکان؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

۲-۲-۴ رابطه میان تقویت و توسعه مجموعه چندعملکردی با مؤلفه تعهد به مکان

در ارتباط با مؤلفه تعهد به مکان ضریب همبستگی با سطح معناداری ۰/۰۱ برابر با ۰/۷۸۴ نشان از رابطه معناداری بین تقویت و توسعه مجموعه چندعملکردی با این مؤلفه است. می‌توان استنباط کرد که با تقویت و توسعه مجموعه‌های چندعملکردی طبیعت محور، تعهد به مکان افزایش می‌یابد. در ارتباط با میزان اهمیت شاخص‌های این مؤلفه، یافته‌ها نشان می‌دهد که بیشترین درصد فراوانی، متوسط و زیاد است. می‌توان نتیجه گرفت تقویت و توسعه مجموعه چند عملکردی سبب رشد و ارتقای شاخص‌های کالبدی، فعالیتی و معنایی مربوط به این مؤلفه در محله تلخداش شیراز می‌شود. جدول ۴. ارتباط میان تقویت و توسعه مجموعه چندعملکردی و مؤلفه تعهد به مکان؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

ارتباط میان متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معناداری
ارتباط میان تقویت و ساخت مجموعه	۰/۷۸۲	۰/۰۱

چندعملکردی با مؤلفه تعهد



نمودار ۵. نتایج شاخص‌های مؤلفه تعهد به مکان؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

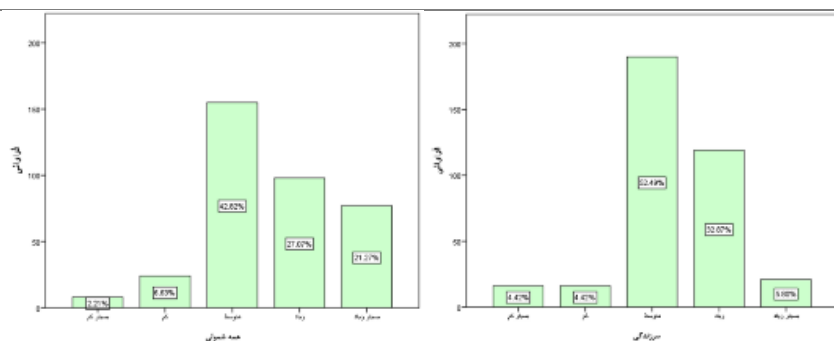
۳-۲-۴ رابطه میان تقویت و توسعه مجموعه چندعملکردی با مؤلفه مشارکت

در ارتباط با مؤلفه مشارکت، ضریب همبستگی با سطح معناداری ۰/۰۱ برابر با ۰/۷۲۶ محاسبه شده است که نشان می‌دهد رابطه معناداری بین تقویت و توسعه مجموعه چندعملکردی با مؤلفه مشارکت وجود دارد به طوری که با تقویت و توسعه مجموعه‌های چندعملکردی طبیعت محور، مشارکت در

افراد افزایش می‌یابد. همچنین میزان اهمیت شاخص‌های مولفه‌ی مشارکت، شامل همه‌شمولی، سرزندگی و قابلیت شناخت و تجربه نیز در قالب سوالات به پاسخ‌دهندگان ارائه شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که بیشترین درصد فراوانی مربوط به گزینه‌های متوسط، زیاد و خیلی زیاد است. چنین استنباط می‌شود که تقویت و توسعه مجموعه چندعملکردی طبیعت محور سبب رشد و ارتقای شاخص‌های مربوط به مؤلفه مشارکت در محله تلخداش شیراز می‌شود.

جدول ۵. ارتباط میان تقویت و توسعه مجموعه چندعملکردی و مؤلفه مشارکت؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

ارتباط میان متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معناداری
ارتباط میان تقویت و توسعه مجموعه چندعملکردی با مؤلفه مشارکت	۰/۷۲۶	۰/۰۱



نمودار ۶. نتایج شاخص‌های مؤلفه مشارکت؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

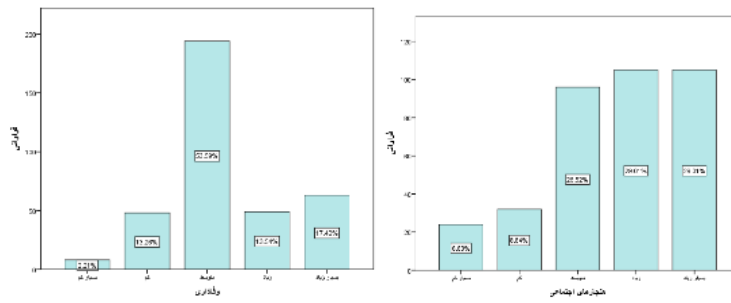
۴-۲-۴ رابطه تقویت و توسعه مجموعه چندعملکردی با مؤلفه باور

یافته‌ها نشان می‌دهد رابطه معناداری بین تقویت و توسعه مجموعه چندعملکردی با مؤلفه باور وجود دارد به طوری که با تقویت و توسعه مجموعه‌های چندعملکردی، باور در افراد افزایش می‌یابد. ضریب همبستگی ۰/۸۰۱ با سطح معنای داری ۰/۰۱ این گفته را تأیید می‌کند. همچنین همانطور که در نمودار مشاهده می‌شود، در ارتباط با میزان اهمیت شاخص‌های این مؤلفه از نظر پاسخگویان، بیشترین درصد مربوط به گزینه‌های متوسط، زیاد و خیلی زیاد است. از این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت توسعه مجموعه چندعملکردی طبیعت محور سبب رشد و ارتقای شاخص‌های مؤلفه‌ی باور در محله تلخداش شیراز می‌شود.

جدول ۶. ارتباط میان تقویت و ساخت مجموعه چندعملکردی و مؤلفه باور؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

ارتباط میان متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معناداری
ارتباط میان تقویت و توسعه مجموعه چندعملکردی با مؤلفه باور	۰/۸۰۱	۰/۰۱

رابطه معناداری بین مؤلفه‌های پیوند اجتماعی با تقویت و توسعه مجموعه‌های چندعملکردی طبیعت محور در بافت‌های فرسوده؛ مورد مطالعه محله تلخداش شیراز



نمودار ۷. نتایج شاخص‌های مؤلفه باور؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

۴-۲-۵ رابطه میان تقویت و توسعه مجموعه چندعملکردی با پیوند اجتماعی

نتایج حاصله نشانگر معنادار بودن ارتباط میان تقویت و توسعه مجموعه چندعملکردی و پیوند اجتماعی است. ضریب همبستگی با سطح معناداری $0/01$ برابر $0/653$ محاسبه شده است. بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که رابطه قوی بین تقویت و توسعه مجموعه چندعملکردی طبیعت‌محور با پیوند اجتماعی وجود دارد.

جدول ۷. ارتباط میان تقویت و توسعه مجموعه چندعملکردی و پیوند اجتماعی؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

ارتباط میان متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معناداری
ارتباط میان تقویت و توسعه مجموعه چندعملکردی با پیوند اجتماعی	$0/653$	$0/01$

۵- نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

در این پژوهش، با کنکاش در مفاهیم و بررسی مبانی نظری حوزه پیوند اجتماعی، به تعیین مؤلفه‌های پیوند اجتماعی پرداخته شده است. معناداری رابطه بین این مؤلفه‌ها و تقویت و توسعه مجموعه‌های چندعملکردی طبیعت محور و همچنین میزان اهمیت شاخص‌های مربوط به هر یک از مؤلفه‌ها مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین ۴ مؤلفه ملاک که شامل دلبستگی به مکان، تعهد به مکان، مشارکت و باور و تقویت و توسعه مجموعه چند عملکردی با ضریب همبستگی بالا رابطه معناداری وجود دارد که نشان‌دهنده افزایش پیوند اجتماعی در بافت محله تلخداش شیراز است. همچنین مشخص شد میزان اهمیت شاخص‌های مربوط به هر یک از مؤلفه‌ها، متوسط و زیاد است. به نظر می‌رسد با طراحی و توسعه مدبرانه فضاهای عمومی در بافت‌های فرسوده از جمله در محله تلخداش شیراز، می‌توان در تقویت پیوند اجتماعی مؤثر واقع شد. ایجاد فضاهای چندعملکردی مطلوب، در گام نخست می‌تواند در مخاطبان انگیزه حضور و ماندن در فضا را ایجاد کند و در گام‌های بعدی با فراهم آوردن زمینه‌های لازم، افزایش تعامل اجتماعی میان افراد را در پی داشته باشد. ماهیت وجودی این فضاها و عملکرد آنها گاهی ممکن است ریشه در باورها داشته باشد و گاهی با برانگیختن مشارکت افراد و یا ایجاد تعهد در آنها و زمانی دیگر با دلبسته کردن آنها نسبت

به فضا، افراد را به حضور و ماندن در فضا ترغیب نماید. هر آنچه گفته شد می‌تواند در نهایت پیوندهای اجتماعی را احیاء و تقویت نموده و رشد و ارتقاء ماهیت بافت فرسوده تلخداش شیراز را به همراه آورد. نتایج این تحقیق با نتایج پژوهش حسنی و مهرگانی (۱۳۹۷) که مؤلفه‌های پیوند اجتماعی را عاملی برای ارتقای هویت افراد و پایداری اجتماعی می‌دانند، همسو است. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که هم راستا شدن مؤلفه‌های پیوند اجتماعی و فعالیت‌های فضاهای فرهنگی و هنری، قدمی مثبت در جهت به نتیجه رسیدن اهداف طراحان و مدیران بوده و به بهبود کیفیت آن‌ها نیز کمک شایانی می‌کند. آن‌ها تأکید می‌کنند که نقش و قابلیت‌های طراحی محیط کالبدی و کیفیت عملکردی فضا، در ارتقای پیوند اجتماعی مؤثر است. پژوهش جوان‌فروزنده (۱۳۹۰) نیز نتایج این تحقیق را تأیید می‌نماید. پژوهش او نشان می‌دهد که حس تعلق از معیارهای ارزیابی محیط‌های با کیفیت بوده و در معماری و رشته‌های طراحی محیطی، ویژگی‌های کالبدی نظیر فرم (رنگ، اندازه، شکل، مقیاس) و روابط اجزاء کالبدی با تأمین و تأکید بر فعالیت‌های اجتماعی محیط، نقش مهم و مؤثر در شکل‌گیری حس تعلق دارند. نتایج تحقیق عالم و همکاران (۱۳۹۸) نیز همسو با نتایج این تحقیق است. آن‌ها در پژوهش خود بیان می‌دارند که مرکز محله‌های تاریخی و کهن دارای ویژگی‌های خاص هویتی و کالبدی هستند لیکن با گسترش شهرها و افزایش جمعیت و تغییراتی که در بافت شهری ایجاد شده باعث مشکلات عدیده ترافیک و ازدحام و آلودگی صوتی و زیست‌محیطی شده است. تحقیق آنان نشان داد که رابطه معناداری بین مؤلفه‌های دلبستگی، تعاملات اجتماعی، تعهد به ارزش‌های محله و باور و اعتقادات وجود دارد و مؤلفه دلبستگی در مقایسه با مؤلفه‌های دیگر تأثیر بالاتری در میزان پیوندهای اجتماعی افراد در رابطه با فضاهای شهری خصوصاً مرکز محله‌ها دارد. همچنین عوامل کالبدی و محیطی نیز تأثیر زیادی در میزان ارتقاء پیوندهای اجتماعی در محلات جدید دارد. میرغلامی و آیشم (۱۳۹۵) نیز در پژوهش خود تأکید دارند که مفهوم مکان و حس مکان یکی از مهمترین مسائل پیش روی شهرسازی معاصر است. در گذشته شهرها از توانایی بالایی در جهت برقراری تعامل بین انسان و فضا برخوردار بودند. تکرار الگوهای بی هویت و غربی در فضاهای شهری موجب به حاشیه رانده شدن اصول مکان‌سازی و هویت گردیده است. از نظر آن‌ها حس مکان و حضور مردم در فضاهای شهری از جمله مهمترین مواردی است که امروزه در ارزیابی فضاهای شهری موفق مورد بحث قرار می‌گیرد. دانش‌پایه و حبیب (۱۳۹۶) در تحقیقی، به تبیین معیارهای اصلی در ارتقاء حس مکان در توسعه جدید شهرها پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد شکل‌گیری حس مکان در پهنه‌های توسعه شهری جدید مبتنی بر تعامل شخص و مکان است. با برانگیختن حس زیبایی‌شناختی، برقراری امکان تعاملات اجتماعی و رضایتمندی و ایجاد تصاویر ذهنی و قابلیت ادراک مکان، زمینه بهبود فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی و فرهنگی را ایجاد می‌کند که موجب افزایش حس دلبستگی شهروندان به فضاهای شهری و محلات سکونتی خود می‌شود.

رابطه معناداری بین مؤلفه‌های پیوند اجتماعی با تقویت و توسعه مجموعه‌های چندعملکردی طبیعت محور در بافت‌های فرسوده؛ مورد مطالعه محله تلخداش شیراز

این مهم گویای نقش و اهمیت مؤلفه‌های سه گانه کالبدی، فعالیتی و ادراکی در ارتقای حس مکان در یک توسعه شهری جدید است که با نتایج این تحقیق هم‌خوانی دارد. در کلام آخر می‌توان گفت که مجموعه چندعملکردی طبیعت محور می‌تواند به ارتقای پیوند اجتماعی در شهر شیراز و شاخص کردن شهر و معرفی بهتر آن در سطح منطقه و کشور بینجامد.

در تصویر زیر، نقاط استراتژیک بافت فرسوده محله تلخداش شیراز که می‌توانند در بهبود پیوند اجتماعی بافت کمک کنند مشخص شده است و در ادامه به برخی از مهم‌ترین اهداف، سیاست‌ها و راهبردهای پیشنهادی پیوند اجتماعی در بافت‌های فرسوده پرداخته شده است. این جدول می‌تواند به خوانایی بهتر تصویر قبل نیز کمک نماید. شاید بتوان از نتایج و راهبردهای پیشنهادی این پژوهش در احیاء و تقویت پیوند اجتماعی در سایر بافت‌های فرسوده نیز بهره جست.

جدول ۸. اهداف، سیاست و راهبردهای موثر در پیوند اجتماعی در بافت فرسوده تلخداش؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

اهداف	a-ارتقاء مؤلفه‌ی	b-ارتقاء مؤلفه‌ی تعهد	C-ارتقاء مؤلفه‌ی مشارکت	d-ارتقاء مؤلفه‌ی
نشریه علمی فرهنگ و زیست فناوری معماری، سال ۱۰، شماره ۲	دلبستگی			باور
سیاست	a1- افزایش غنای احساسی در محله	b1- ایجاد معناداری	c1- پویایی و مشارکت مردمی	d1- حفظ
ها	a2- افزایش کارکرد هویتی و عملکردی محله	b2- افزایش تنوع در عملکرد و عناصر کالبدی	c3- انعطاف‌پذیری رسوم و سنت‌ها در بین محله	هنجارهای اجتماعی، ارزش‌ها و باورهای محله
۱۹	a11- ایجاد حس مثبت بین ساکنین محله از طریق عملکردهای گوناگون	b11- ایجاد دعوت‌کنندگی بیشتر افراد در محله	c11- استفاده از پتانسیل‌های مرکز محله و مسجد برای ایجاد قرارگاه رفتاری	توسعه فضاهای فرهنگی
راهبردها	a22- تقویت مجموعه‌های عملکردی موجود برای بیش زنده‌سازی فضاها	b22- استفاده از عناصر آب و سبزی‌نگی برای افزایش تعامل افراد در این فضاها	c22- طراحی فضاهای شهری پویا و مفرح با امکان برقراری تعاملات اجتماعی	d22- افزایش محله از طریق فعالیت‌های ارزشی، اخلاقی
	a33- باسازی‌های جدید و عدم مغایر در بافت	b33- زنده‌سازی بدنه‌های صلب و جلوگیری از یکنواختی	c33- تعریف فضاهایی به منظور گزراندن اوقات فراغت در محله	
	a44- جلوگیری از ساخت بدنه و کاربری‌های مغایر با	b44- ساماندهی کاربری‌های متنوع برای ایجاد قرارگاه‌های رفتاری	c44- در نظر گرفتن فضاهایی با امکان استفاده از آنها برای برگزاری مراسمات در روزهای خاص	
			c55- در نظر گرفتن امکانات حمل و نقل به محله	

بافت برای جلوگیری
از عدم همخوانی
a55-توجه به
آسایش بیشتر در محله
تعاملات اجتماعی
از طریق تنوع فعالیتی
اجتماعی، سنی و جنسی
باشد.

b66- افزایش کیفیت کالبدی
به جهت ارزشمندی بیشتر
b77- شاخص نمودن عناصر
کالبدی که باعث یادآوری
خاطرات جمعی، حس مکان
و تصویر ذهنی شهروندان
شود.

b88- افزایش حس تعلق در
فضاها

b99- بازسازی و توسعه‌ی
فعالیت‌های قدیمی محله
b100- افزایش عدالت
اجتماعی در محله و ساکنین

(*) اعلام عدم تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی برای ایشان وجود نداشته است. (تعارض منافع به حالتی گفته می‌شود که منافع شخصی مادی یا غیرمادی نویسنده یا نویسندگان با نتایج پژوهش در تعارض باشد و این موضوع بر روند انجام پژوهش یا اعلام صادقانه نتایج تأثیر بگذارد).

منابع و ماخذ

۱. رحیمی، لایلا و همکاران (۱۳۹۵) تبیین مولفه‌های دلبستگی به مکان در مقیاس محله و شهر و تحلیل تعمیم‌پذیری آن، نمونه موردی: محله تاریخی سرخاب تبریز، معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، شماره ۱۷.
۲. جوان‌فروزنده، علی و مطلبی، قاسم (۱۳۹۰) مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن، هویت شهر، شماره ۸.
۳. حامد، نسیم و جلالی راد، مهسا (۱۳۹۸) جست و جوی حلقه‌های پیوند اجتماعی - فضایی در شهرهای سنتی ایران، اولین کنفرانس بین‌المللی و دومین کنفرانس بین‌المللی به سوی شهرسازی، معماری، عمران و هنر دانش‌بنیان.

۴. حسنی، سونیا و مهرگانی، آرش (۱۳۹۷) تبیین مولفه‌های کالبدی تأثیرگذار بر تکوین و تداوم پیوند اجتماعی در فضاهای شهری، نمونه موردی: فضاهای فرهنگی و هنری شهر رشت، کنگره بین‌المللی علوم مهندسی و توسعه شهری پایدار.
۵. دانش‌پایه، نثار، حبیب، فرح (۱۳۹۶) معیارهای اصلی شکل‌گیری حس مکان در پهنه‌های توسعه جدید شهری: مطالعه موردی: منطقه ۲۲ و ۴ شهرداری تهران، مطالعات شهری، شماره ۲۵.
۶. دانشپور، سید عبدالهادی و چرخچیان، مریم (۱۳۸۶) فضاهای عمومی و عوامل موثر بر حیات جمعی، باغ نظر، شماره ۷.
۷. صادقی، علیرضا و همکاران (۱۳۹۷) تبیین کیفیت‌های محیطی مؤثر بر مشارکت شهروندان در عرصه‌های عمومی شهری به عنوان بعد اجتماعی توسعه پایدار، معماری و شهرسازی پایدار، شماره ۲.
۸. صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۶) آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)، انتشارات سمت.
۹. عالم، سارا و همکاران (۱۳۹۸) ارزیابی مؤلفه‌های موثر بر پیوندهای اجتماعی در مرکز محله‌های شهر اردبیل، مطالعات مدیریت شهری، شماره ۳۸.
۱۰. کارمونا، متیو و همکاران (۱۳۹۱) مکان‌های عمومی فضاهای شهری: ابعاد گوناگون طراحی شهری، مترجم فریبا قرائی و دیگران، دانشگاه هنر تهران.
۱۱. مدنی‌پور، علی (۱۳۸۹) فضاهای عمومی و خصوصی شهر، مترجم فرشاد نوریان، انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
۱۲. میرزایی، ابراهیم و همکاران (۱۳۹۶) قانون‌گریزی و پیوند اجتماعی: مطالعه موردی: شهر اهواز، جامعه پژوهشی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۳.
۱۳. میرشکرایی، محمد (۱۳۸۱) بازار و مراسم آیینی، کتاب ماه هنر: ویژه هنر و معنا، شماره ۵۳ و ۵۴.
۱۴. میرغلامی، مرتضی و آیشم، معصومه (۱۳۹۵) ارائه مدل ارزیابی حس مکان براساس مولفه‌های کالبدی، ادراکی، عملکردی و اجتماعی، نمونه موردی: خیابان امام ارومیه، مطالعات شهری، شماره ۱۹.
۱۵. نصر اصفهانی، مهدی و جهانگیرمقدم، غزاله (۱۳۹۷) بررسی رابطه بازاریابی اخلاقی با میزان فروش، مطالعات نوین کاربردی در مدیریت اقتصاد و حسابداری، شماره ۳.
۱۶. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۸) راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران، کارشناسی و بازرنگری حسین اسدی خوانساری، انتشارات شهیدی.
۱۷. ترکمان، احمد و همکاران (۱۳۹۲) بازانذیشی تأثیر روند شکل‌گیری مجموعه‌های چند منظوره سنتی در معماری معاصر ایران، همایش ملی معماری پایدار و توسعه شهری.
۱۸. خستو، مریم و سعیدی رضوانی، نوید (۱۳۸۹) عوامل موثر بر سرزندگی و فضاهای شهری، هویت شهر، شماره ۶.
۱۹. سجاذاده، حسن (۱۳۹۲) نقش دلبستگی به مکان در هویت بخشی به میدان‌های شهری: نمونه موردی: میدان آرامگاه شهر همدان، باغ نظر، شماره ۲۵.
۲۰. سیفی، مریم (۱۳۹۵) راهکارهای طراحی فضاهای عمومی جهت افزایش پیوند اجتماعی بین جوانان، همایش ملی پژوهش‌های کاربردی در افق‌های نوین عمران و معماری.

21. Hirschi, T. (1969). *Causes of delinquency*. Berkeley, CA: University of California Press.
22. Jencks, Charles A. (1980). *Late-Modern Architecture*. New York: Rizzoli International.
23. Low, S.M & Altman I. (1992). *Place attachment: a conceptual inquiry*. New York: Plenum Press.
24. Maddox, S. J., & Prinz, R. J. (2003). School bonding in children and adolescents: Conceptualization, assessment, and associated variables. *Clinical Child and Family Psychology Review*, 6 (1), 31-49.
25. Morrison, N., & Xian, S. (2016). High mountains and the faraway emperor: Overcoming barriers to citizen participation in China's urban planning practices. *Habitat International*, 57, 205-214.
26. Hummon, D. (1992). *Community Attachment: Local sentiment & sense of place*. New York: Plenum Press.
27. Toosi, M. (1991). *Participation in Management and Ownership*. Tehran: Center for Education and Public Administration.

چکیده لاتین

Mohammad Nikkar- Assistant Professor of Architecture, Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Shiraz University

Asadallah Bozorgvar- Master Student of Architecture, Department of Urban Planning & Design, Faculty of Art and Architecture, Shiraz University

Relationship between Social Bonding Components with Strengthening and Development of Nature-Oriented Multifunctional Complexes in Worn-Out Urban Textures, Case Study: Talkhdash Neighborhood of Shiraz

Abstract

The purpose of this study is to determine the components affecting social bonding and to determine the significance of the relationship between these components by developing and strengthening nature-oriented multifunctional complexes in the Talkhdash neighborhood of Shiraz. Determining the indicators and sub-indicators related to each of the components and also determining the importance of each of these indicators from the point of view of the respondents is another goal of this article. This research is a questionnaire in terms of descriptive-survey nature and data collection tools. According to Cochran's formula, the sample size of 362 residents of Talkhdash neighborhood of Shiraz was obtained. By reviewing the theoretical foundations, the effective components of social bonding including "attachment to place", "commitment", "participation" and "belief" and then the indicators and sub-characteristics related to each of the components were determined. These components were considered as the criterion variable and the strengthening and development of the nature-oriented multifunctional set was considered as the predictor variable. The significance of the relationship between criterion and predictor variables was examined. Also, the importance of indicators related to each of the components was measured. Findings show that collective spaces have a special value and whatever components of social bonding are used in the field of architecture can reduce social harms. The more people appear in public spaces such as cultural and artistic centers and participate in its activities, the more factors such as attachment, commitment and belief of individuals and increase the identity of individuals. The results of this study indicate that the development and strengthening of the nature-oriented multifunctional complex, in addition to reviving and improving the social bond in the Talkhdash neighborhood of Shiraz, causes the growth and improvement of the quality of this tissue.

keywords: Social Bonding, Components of Social Bonding, Social Disintegration, Nature-Oriented Multifunctional Complex, Talkhdash Neighborhood of Shiraz

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the BOTHIGHA Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.



نحوه ارجاع به مقاله:

نیک کار، محمد. بزرگوار، اسدالله (۱۴۰۲) رابطه معناداری بین مؤلفه‌های پیوند اجتماعی با تقویت و توسعه مجموعه‌های چندعملکردی طبیعت محور در بافت‌های فرسوده؛ مورد مطالعه محله تلخداش شیراز. بوطیقای معماری، ۳(۱۰)، ۱-۲۰.



DOI: [10.52547/ijba.10.1.1](https://doi.org/10.52547/ijba.10.1.1)

DOR: 20.1001.1.28212398.1402.4.1.1.1

URL: www.ijba.ir/fa/downloadpaper.php?pid=154&rid=18&p=A